

میدون و سوفیا

مسئولان ایرانی چطورمی‌اند؟



یوریا عالمی

• مسئولان ما همیشه طوری حرف می‌زنند که انگار دوران انتخابات است؛ یعنی جای اینکه بگویند چی‌کار کردند، همه‌اش دارند می‌گویند چه‌کار می‌خواهند بکنند؛ مثل روحانی.

• وقتی هم که دورانشان تمام می‌شود می‌گویند نشد و نگذاشتند که اینها کار کنند و اگر یک فرصت دیگر داشته باشند کار را جمع می‌کنند؛ مثل احمدی‌نژاد.

• بعضی از مسئولان هم هستند که طوری حرف می‌زنند که آدم احساس می‌کند این مسئولان نیستند که مسئولیت دارند و مسئولیت با مردم است؛ مثل نوبخت و وزرای اقتصادی.

• بعضی از مسئولان اما طوری حرف می‌زنند که انگار اینها مسئول نبوده‌اند و آدم‌های چشم‌وگوش‌بسته‌ای بوده‌اند که گول خورده‌اند و حتی نامه هم می‌نویسند علیه رئیسشان تا ثابت کنند گولشان زده است؛ مثل بعضی از وزرای احمدی‌نژاد یا مثل بعضی از حامیان احمدی‌نژاد که در مجلس بودند.

• بعضی از مسئولان ما هم معتقدند خب اینها عقلشان از همه بیشتر می‌رسد و به همین دلیل فکر می‌کنند عقل ما نمی‌رسیده که مال مردم را بخوریم. به همین دلیل این مسئولان تا در صندلی مسئولیت هستند شروع می‌کنند مال ما را خوردن. مثل کی؟ ضایع‌ترینش همین خاوری، رده‌بالترین مدیر بانکی کشور، بود که البته این بنده خدا زیادی معروف شد و باقی خوردندگان مال مردم گمنام ماندند.

• بعضی از مسئولان هم تک‌خوری نمی‌کنند و وقتی دارند مال مردم را می‌خورند، یک بغرم‌ا به چهره‌های مردمی می‌زنند. چهره‌های مردمی هم چون قضیه مردمی است، مال مردم را می‌مردمند (یعنی مال مردم را مردمی می‌کنند). این یکی مثال ندارد.

جمع‌بندی

سوفیا... عشق من... کاش من هم مسئول بودم و مسئولیت کارهام با مردم بود.

عاشق بی‌مسئولیت تو؛ میدون دوم

گزارش

مقصر کیست؟

• **ایسنا:** در سلسله‌نشست‌های «رسانه، افکار عمومی و بازنمایی رویداد» این‌بار به جایگاه شبکه‌های اجتماعی در دنیا اشاره شد.
امیر ناظمی عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی گفت: «سلبریتی‌ها اصلی‌ترین بازیگران شبکه‌های اجتماعی هستند. شاهد کسب درآمد سلبریتی‌ها از شبکه‌های اجتماعی و اثرگذاری آنها هستیم. بالاترین درآمد از پست‌ها یا اینستاکرامی در دنیا مربوط به خواننده مشهور «سلنا گومز» است؛ وی هر پست خود را ۵۳۰ هزار دلار می‌فروشد. در واقع با سلبریتی‌هایی مواجهیم که قرارداد فیلم و بازی می‌بندند اما عمده درآمد آنها تحت‌الشعاع پست‌های اینستاکرامی است.»

وی با بیان اینکه سلبریتی‌ها در ایران از ۳۵ تا ۱۵ میلیون تومان می‌گیرند و در اینستاکرام پست می‌گذارند و این مبلغ برای تلگرام ۱۰ میلیون است اظهار کرد: «اکنون جایگزین‌های رسانه‌های متداول کارکردهای خود را دارند و با افرادی روبه‌رو هستیم که صرفا بلندگو هستند بدون آنکه فکری پشت بیانات همه آنها باشد.»

عبدالله گیویان، پژوهشگر رسانه و ارتباطات نیز در این نشست به برخی مشکلات جدی در نظام ارتباطاتی اشاره کرد و گفت: «در تبلیغات رسانه ملی زمانی که می‌خواهند یک زندگی خوب را به شرط استفاده از یک کالا تبلیغ کنند، یک زندگی لوکس متوسط به بالای غربی را نمایش می‌دهند.»

وی ادامه داد: «ایا تما به‌عنوان یک ملت آرزوی مشترکی داریم؟ اسطوره سعادت چیست و آیا یک لحظه تاریخی داشته‌ایم که مشترکا این کامروالی را تصویر کرده باشیم؟»

گیویان با بیان اینکه نه در سطح نظری و نه عملی هیچ تعییر مشخصی از آنچه می‌خواهیم نداریم، گفت: «مقصر کیست؟ تصور جمعی ما در خلق و بازنمایی این اسطوره هیبت ویرانگری در زندگی امروز ما دارد. در پازل سراسری نظام ارتباطاتی این اسطوره مغفول است. یکی از اصلی‌ترین وظایف اهالی رسانه این است که تلاش کنند ذره‌ای زمینه ساخت این اسطوره را فراهم کنند که بخشی از رسالت رسانه است و وظیفه ملی تلقی می‌شود.»

محمد آقاسی مدیر مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، نیز با بیان اینکه ۱۰ دغدغه و مطالبه اول مردم، مسائل اقتصادی است، گفت: «در دو پیمایش ملی که داشتیم، مواردی چون محیط زیست، کم‌آبی و... جزء اولویت‌های پایین‌تر بودند که حاکی از آن است که دیالوگ بین مردم، رسانه و حاکمیت برقرار نشده است.» وی افزود: «سال گذشته در دو مقطع از مردم پرسیدیم دوست دارید جلوی «تورم» گرفته شود یا «بشغال» ایجاد شود؟ بیش از ۸۰ درصد مردم اشتغال را انتخاب کردند. درحالی‌که صاحب‌نظران معتقدند تا تورم کاهش نیابد، شغل ایجاد نمی‌شود.»

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۷ ۱۰ ذی‌القعدة ۱۴۳۹ ۲۴ جولای ۲۰۱۸ سال پانزدهم • شماره ۳۲۰۲ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۵ • اذان صبح فردا ۴:۲۷ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

روزنفر۱

کارتون خواب



علی رومانی
aliromani84@gmail.com

کنترل تسلیحات هسته ای آمریکا از دست ترامپ خارج می شود



شهرداران ۱ -

قلب بریتانیا در دستان یک مسلمان

سرپناهی برای خانواده‌اش بخرد.

وصف دوران تحصیلی این شخصیت سیاسی-اجتماعی در همین ابتدای داستان زندگی‌اش آمده است: من، برادرانم (هفت برادر) و خواهرم همگی تحصیلات ابتدایی را به بهترین شکل

ممکن در «توتینگ» سپری کرده‌ایم و البته شانس آن را داشته‌ایم که بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای، دوره دبیرستان را هم ادامه دهیم. پس از آن، دوره دانشگاه فراسید که من بیشتر از آنکه توان مالی‌ام مؤثر باشد، توانمندی‌های ذاتی و استعدادهایم به نجاتم آمدند و در دانشگاه قبول شدم. درباره بخش دیگری از زندگی صادق می‌خوانیم: من به‌عنوان یک وکیل با گرایش حقوق بشر، در زندگی‌ام از مردمی دفاع کرده‌ام که جای‌جای انگلستان گرفتار تبعیض‌ها و نابرابری‌ها بودند. این فعالیت‌م البته به راه‌اندازی کارخانه‌ای منجر شد که ۵۰ کارگر در آن مشغول کار شدند.

البته من خودم در زندگی تبعیض‌های ظالمانه‌ای را به صورت مستقیم حس کرده بودم و همین امر از من شخصیتی ساخت که هر جایی تبعیضی حس کنم، قاطعانه با آن بجنگم. حقوق بشر در واقع همین

است. در گریز شهردار لندن به فعالیت‌های حزبی‌اش، درست در همین نقطه از حزب کارگری بریتانیا یاد می‌شود. او انکار کششی به دست گرفته تا در احساسی‌ترین نقطه واگوکردن داستان زندگی، پس از کمک به معیشت ۵۰ کارگر گرفتار تبعیض درآمدی و سروسامان‌دادنشان در یک کارخانه، چکش را بکوبد و بگوید: حقوق بشر یکی از پرمباهات‌ترین دستاوردهای حزب کارگری است. همین‌قدر محکم با چکش یک حزب بر سر مخاطب ضربه می‌زند.

همین‌جا تعلق خاطر و دینش را به حزبی نشان می‌دهد که او را در انتخابات درون‌گروهی‌شان با ۶۰ درصد و در انتخابات شورای شهر لندن با ۵۶/۸ آرا، روانه اتاق کار شهردار لندن کرد؛ حزبی که با هویت پاکستانی این مرد انگلیسی و زندگی راننده اتوبوسی پدر توانمندش درآمیخته است.

صادق خان در وبسایت شخصی‌اش پخش‌های مختلفی هم برای معرفی برنامه‌ها، اولویت‌ها، علاقه‌مندی‌ها و چشم‌اندازهایی که برای پایتخت انگلیس ترسیم کرده است، دارد که در بخش دوم این این نوشتار، به آنها خواهیم پرداخت.

یکی از کارویژه‌های مطبوعات و در نگاه کلان‌تر، انواع رسانه‌ها، ایفای نقش دیده‌بانی و نظارت و نقش حساب‌کشی و پاسخ‌گوکردن همه ارکان جامعه است، چه بخش دولتی و چه بخش خصوصی؛ هر بخشی که به‌نوعی منابع جامعه در اختیار آن است، این نقش اقتضا می‌کند که رسانه‌ها و مطبوعات حق دسترسی و جست‌وجوی اطلاعات را داشته باشند و حق کسب و انتشار آزادانه اطلاعات و حق حساب‌کشی، به‌ویژه از دستگاه‌های دیوان‌سالاری، به‌همین‌دلیل در واقع اعتقاد بر این است که یک رکن نظارتی و دیده‌بانی داریم که به‌سادگی، به‌راحتی و به‌طور رایگان در اختیار دستگاه حکومت است و آن، مطبوعات و رسانه‌ها هستند؛ به این معنا که آنها به نمایندگی از طرف جامعه، بر جریان ثروت و قدرت در جامعه نظارت و به‌موقع از آنها سؤال می‌کنند، پاسخ می‌خواهند و آنها را پاسخ‌گو نگه می‌دارند. این یکی از مهم‌ترین مظاهر دموکراسی و مردم‌سالاری است.

در بسیاری از کشورهای پیشرفته این حق مطبوعات و رسانه‌ها به‌رسمیت شناخته شده است. در قانون اساسی و قانون مطبوعات ما نیز به‌طورکلی این حق به‌رسمیت شناخته شده، اما در عمل و اجرا گاه با محدودیت‌هایی مواجه بوده است و در بیشتر مواقع در طول تاریخ با محدودیت‌ها و موانعی روبه‌رو بوده



محمدمهدی فرقانی
استاد ارتباطات

یکی از کارویژه‌های مطبوعات و در نگاه کلان‌تر، انواع رسانه‌ها، ایفای نقش دیده‌بانی و نظارت و نقش حساب‌کشی و پاسخ‌گوکردن همه ارکان جامعه است، چه بخش دولتی و چه بخش خصوصی؛ هر بخشی که به‌نوعی منابع جامعه در اختیار آن است، این نقش اقتضا می‌کند که رسانه‌ها و مطبوعات حق دسترسی و جست‌وجوی اطلاعات را داشته باشند و حق کسب و انتشار آزادانه اطلاعات و حق حساب‌کشی، به‌ویژه از دستگاه‌های دیوان‌سالاری، به‌همین‌دلیل در واقع اعتقاد بر این است که یک رکن نظارتی و دیده‌بانی داریم که به‌سادگی، به‌راحتی و به‌طور رایگان در اختیار دستگاه حکومت است و آن، مطبوعات و رسانه‌ها هستند؛ به این معنا که آنها به نمایندگی از طرف جامعه، بر جریان ثروت و قدرت در جامعه نظارت و به‌موقع از آنها سؤال می‌کنند، پاسخ می‌خواهند و آنها را پاسخ‌گو نگه می‌دارند. این یکی از مهم‌ترین مظاهر دموکراسی و مردم‌سالاری است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته این حق مطبوعات و رسانه‌ها به‌رسمیت شناخته شده است. در قانون اساسی و قانون مطبوعات ما نیز به‌طورکلی این حق به‌رسمیت شناخته شده، اما در عمل و اجرا گاه با محدودیت‌هایی مواجه بوده است و در بیشتر مواقع در طول تاریخ با محدودیت‌ها و موانعی روبه‌رو بوده

است؛ بگذاردیم به‌قدیم پیش برویم. ۱- آخرین جنجال این غائله مربوط می‌شود به دفاعیه سلبریتی «ا.ع»، در برنامه «حالا خورشید». این سلبریتی عزیز خطاب به خودش می‌گوید: «ما سلبریتی‌ها یا فعالان فرهنگی...». همین گفته اولین ترک بر حباب مورد بحث است، چون به شهادت تمامی کارشناسان، سلبریتی لوما‌فاصل فرهنگی نیست. زمانی بزرگان فرهنگی، در تمام دنیا، شعار هنر برای اجتماع سر می‌دادند. زمانی دیگر می‌گفتند هنر برای هنر اهمیت دارد، ولی اکنون بسیاری اصلا اسم هنر را گذاشته‌اند کنار و به‌جایش کلمه «سرگرمی» (Entertainment) را به کار می‌برند که نه سیخ

بسوزد، نه کباب، درآمدم هم تضمین نشود. بنابراین سلبریتی خوب و بد نداریم. سلبریتی، سلبریتی است و در واقعیت کالایی تبلیغاتی است برای عرضه و فروش محصول!

۲- صداسوسیم‌ا جایی بود که برخی برایش بی‌دلیل نوعی شیقه‌داست قائل بودند و آزارین و نیاید طرفش می‌رفتی یا نقدش می‌کردی. همین آقای رحمانیان خودمان (مدیرمسئول روزنامه «ش»)، قبل از این کافی بود از صداسوسیم‌ا نوشتی، مطمئناً حذف می‌کرد، چون می‌دانست زورش به این نهاد نمی‌رسد و ممکن است روزنامه‌اش آسیب ببیند! اما نیمه پر لیوان را ببینیم، خدا را صدهزارمرتبه شکر که صداسوسیم‌ا کمک‌م دارد به جایگاه خود برمی‌گردد و می‌شود یک رسانه که می‌توان نقدش کرد که باید نقد شود، چون به‌عنوان یک رسانه بی‌رقیب داخلی (و انحصاری) در همه اقشار ملت نفوذ دارد و قرار است فرهنگ‌سازی کند تا وحدت ملی ایجاد شود... ولی افسوس

که این رسانه در سال‌ها آن‌قدر به جاده‌خاکی زده که اگر بگویند ماست سفید است، هیچ‌کس باور نمی‌کند! این نابوری عمومی برای یک رسانه ملی (انحصاری)، خطرناک‌ترین آفت است. ۳- هنرمندانی‌که در عرصه صدا و تصویر (موسیقی و سینما و تلویزیون) کار می‌کنند، راحت‌تر از دیگر هنرمندان، به‌خصوص آنان که در

یادداشت

مطبوعات و رسانه‌ها چشم ناظر مبارزه با فساد هستند

جریان ناصوابی که در جامعه، زندگی مردم را دچار اختلال می‌کند. این ژانر شناخته‌شده‌ای است که هم در دانشکده‌های روزنامه‌نگاری دنیا آموزش داده می‌شود و هم به‌ویژه با فراگیرشدن تبادل اطلاعات در فضای مجازی بروز و ظهور بیشتری پیدا کرده است. ما در روزنامه‌نگاری خود در گذر تاریخ نمونه‌های خیلی بارز و درخ‌ور توجهی از این نوع روزنامه‌نگاری را شاهد نیستیم و دلایلش همان محدودیت‌ها و مضیقه‌هایی است که رسانه‌ها در عمل با آن روبه‌رو بوده‌اند، اما مبارزه با فساد راهی جز این ندارد که از رسانه‌ها کمک بگیرد و برای این کمک‌گرفتن احتیاج به هیچ کاری نیست، جز آزادگداشتن دست روزنامه‌نگاران البته در چار‌چوب قانون و موازین قانونی، چراکه روزنامه‌نگاران از یک طرف، متعهد به افشای فساد هستند و از طرف دیگر باید پایبند به اصول و موازین اخلاق حرفه‌ای باشند. اگر این اصول به‌درستی کار نکنند، در واقع می‌توان انتظار داشت حکومت به‌طورکلی یک رکن بزرگ نظارتی و دیده‌بانی در کنار خود داشته باشد و در نتیجه از سالم‌بودن سازوکارها در درازمدت اطمینان پیدا کند. البته باید به یاد داشته باشیم که وقتی از مطبوعات و رسانه‌ها صحبت می‌کنیم، منظورمان مطبوعات و رسانه‌های غیردولتی هستند، چراکه اعتقاد بر این است که رسانه‌های دولتی به‌مثابه چاقویی هستند که دسته خود را نمی‌برند. به این معنا که اگر انتقادی هم می‌کنند، انتقادهایی سطحی، محدود و گاه جانچی و سیاسی است، به‌جای آنکه بی‌طرفانه، عادلانه و منصفانه بر جریان‌های ثروت و قدرت نظارت داشته باشند.

گردشگری فرهنگی

روزنامه «ش»، مؤسسه «ث» و حباب سلبریتی‌گری

اسپانسر بگیریم» ظاهری معقول دارد، اما ذاتی پر از اشکال. صداسوسیم‌ا آن‌موقع که بود‌جاش محدود نشده بود چه گلی به سر مخاطبانش زد که اکنون بزند. تنها بستری فراهم کرده بود تا هر روز مخاطبان رسانه‌های خارجی را زیاد کند و وقتی به این نتیجه رسید که با ۱۶ کانال داخلی هم نتوانسته مخاطب برای حفظ کند، سفارش ساخت برنامه‌ها را با یکی‌برداری از کم‌مایه‌ترین برنامه‌های شبکه‌های خارجی داد که نتیجه‌اش همین «شو»‌های وطنی شد و رقابت با سخن‌پرانی رسانه‌های خارجی، تبدیل شد به رقابت برای اسپانسرشدن در این برنامه‌ها، چون اسپانسرینگ در تنها رسانه ملی می‌توانست لعابی شود برای فعالیت‌های مشکوک‌شان و مشروع جلوه‌دادن مجوزهایشان با یک سیکل معیوب درست شد که سرش به اینجا رسید که الان رسیدیم.

۶- سلبریتی «م.م» گفته است از روزنامه «شرق» شکایت می‌کند. شکایت حق هر فردی است. این روزها دو شبکه تلویزیونی، سریال «در حاشیه»، ساخته‌اشان، را پخش می‌کنند که در آن سفاد، جامعه پزشکی ایران را با طنز زیر سوال برده است (و من یکی که از دیدن آن لذت می‌برم). اگر «م.م» سلبریتی نشده بود و نویسنده و کارگردان باقی می‌ماند و ششوم نمی‌شد، شاید به‌جای شکایت، به این واقعه به‌مثابه یک سوژه ناب نگاه می‌کرد و سریالی در حاشیه عملکرد سلبریتی‌ها ساخت که نشان دهد وقتی از هنر دور می‌شوند چه اتفاقی می‌افتد و وقتی در اخبار مربوط به این غائله آمد که مؤسسه «ث» برای دوزدن مشکل تبلیغات با نام باشگاه فرهنگی و ورزشی «ث» اسپانسر شده بود، شاخک‌هایش حساس می‌شد که اینکه شیبه عملکرد تعدادی از همین سلبریتی‌هاست که اکنون برای دوزدن مالیات و بیمه و شهرداری، کافی‌شاپ‌هایی زده‌اند بدون داشتن مجوز از صف بستنی و آبمیوه (چون ما صنف کافی‌شاپ نداریم) و با دریافت مجوزهای فرهنگی (نه مقابل عرضه خود به‌عنوان کالای تبلیغاتی و نه لزوماً فعال فرهنگی) تمام مشکلات مجوز و مالیات را دور زده‌اند و دارند راست‌راست پول بارو می‌کنند؛ بدون هیچ مالیاتی. این خودش فساد نیست؟ این خودش گندیدن نمک نیست؟ اگر شفاف‌سازی‌ها پیش برود، این حباب‌ها هم بالاخره خواهند ترکید.

شفاف‌سازی، صداسوسیم‌ا دست‌یافتنی را به جایگاه اصلی به‌عنوان رسانه برگرداند، دیگر برگرداندن سلبریتی‌ها از جایگاه اشغال‌شده فعال فرهنگی یا اجتماعی به جایگاه خودشان که کاری ندارد. همه جای خودمان باشیم، حتماً دنیای بهتری می‌شود.

پیشنهاد



سینما و ادبیات

حضور شهریار وقفی‌پور، امیرحسین خورشیدفر، محمدعلی سجادی، محمدرضا گودرزی، پوریا رقوبی، قاسر باقری و کیهان خانجانی از زوایای مختلف به بحث در مورد این موضوع پرداخته‌اند. اما چرا در سال‌های اخیر ادبیات داستانی ایران میل به تجاری‌کردن تعلیق دارد؟ پاسخ این پرسش و همه چیز را در مورد تعلیق در می‌گردها و مقالات احمد اخوت، محمدرضا پورجعفری، مهدی غبرائی، خجسته کیهان، ابوتراب خسروی، ابراهیم دمشناس و... بخوانید. این شماره مجله پرونده‌ای با عنوان کلی «با نظریه‌ها» دارد که در اولین شماره خود موضوع تئوری مؤلف را برگزیده است؛ مقاله مهم اندرو ساریس که از مطرح‌ترین نظریه‌پردازان در این زمینه است، در این بخش بسیار راهگشاست.

شصت‌وهشتمین شماره سینما و ادبیات به سینمای ایتالیا و کارگردان بنام آن «مایکل آتجلو آنتونیونی» اختصاص دارد. آنتونیونی کارگردانی است که از دل نورئالیسم ایتالیا سربر آورده است اما در دهه ۱۹۶۰ او «سینمای منحصربه‌فرد و مدرن» خود را در جهان تثبیت می‌کند. بخش سینمای ایران در این شماره بر موضوع سینمای مستند و ارتباط و تأثیر آن در سینمای داستانی متمرکز شده است. تأثیر سینمای مستند بر سینمای داستانی را در می‌گرد خسرو سینیایی، رخشان بنی‌اعتماد، محسن عبدالوهاب و مقالات عباس بهارلو، محمد تهامی‌نژاد، محسن خیمه‌دوز و... پی بگیرد. بخش ادبیات مبحث بسیار جذاب و آموزنده تعلیق در ادبیات داستانی را محور خود قرار داده است. دو می‌گرد با